

بازتاب آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی علمی در سیاست جنایی تقنینی ایران

تاریخ دریافت: ۹۶/۸/۱۸

تاریخ تأیید: ۹۷/۳/۱۴

اسمعیل رحیمی نژاد*

چکیده

در بزه‌دیده‌شناسی علمی، خصوصیات زیستی، روانی، اجتماعی و سایر اوضاع و احوال پیرامونی بزه‌دیده و رابطه‌اش با بزه‌کار نقش مهمی در فرایند گذار از اندیشه به عمل مجرمانه ایفاء می‌کند. بنابراین شناسایی این ویژگی‌ها و سایر اوضاع و احوال ماقبل جنایی و انواع رابطه بزه‌دیدگان با بزه‌کاران و مدیریت و کنترل آنها نقش مهمی در پیشگیری اولیه، ثانویه و ثالثه از بزه‌دیدگی و بزه‌کاری ایفاء می‌کند. پرسش این است که سیاست جنایی تقنینی ایران تا چه اندازه این آموزه‌ها را در فرایند قانونگذاری مورد توجه قرار داده است و چه ایرادهایی بر رویکرد قانونگذار از این جهت وارد است؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که این آموزه‌ها از جهت پیش بینی مقررات ناظر بر تعدیل یا حذف مسئولیت کیفری مرتکب بر مبنای تقصیر بزه‌دیده و حمایت‌های کیفری تشدید و یا افتراقی از بزه‌دیدگان آسیب پذیر و ممنوعیت برقراری ارتباط میان بزه‌کار و بزه‌دیده در موارد خاص (در حقوق کیفری) و وضع مقررات پیشگیرانه بزه‌دیده مدار و موقعیت محور (در حقوق پیشگیری)، سیاست جنایی ایران را به صورت نسبی تحت تأثیر قرار داده است.

واژگان کلیدی: بزه‌دیده‌شناسی علمی، سیاست جنایی تقنینی ایران، حقوق کیفری، حقوق پیشگیری.

۱۶۴

حقوق اسلامی / سال پانزدهم / شماره ۵۹ / زمستان ۱۳۹۷

مقدمه

بزه‌دیده‌شناسی علمی، نخستین رویکرد^۱ در مطالعات بزه‌دیده‌شناختی است که در راستای تبیین عمل جنایی بوده و به مطالعه خصوصیات زیستی، روانی و اجتماعی بزه‌دیدگان و نقش و سهم آنان در ارتکاب جرم می‌پردازد. این شاخه از بزه‌دیده‌شناسی، بزه‌دیده را در معنای جرم شناختی و نه حقوقی آن^۲ مورد مطالعه قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، در این نوع بزه‌دیده‌شناسی، بزه‌دیده به عنوان یک عنصر از عناصر تشکیل دهنده اوضاع و احوال پیش جنایی^۳، که نقش مهمی در فرایند گذار از اندیشه به عمل مجرمانه ایفا می‌کند، مورد توجه قرار می‌گیرد و در این راستا بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، اعمال و گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده، استعداد بزه‌دیدگی و روابط خاص بزهکار و بزه‌دیده مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

از پیشگامان اصلی این نوع بزه‌دیده‌شناسی یکی بنیامین مندلسون^۴ است که با نوشتن مقاله‌ای با عنوان «افق‌های نوین زیستی، روانی و اجتماعی: بزه‌دیده‌شناسی» و ارائه آن در کنفرانس انجمن روانشناسان رومانی در ۲۹ مارس ۱۹۴۷ به بررسی علمی

۱. رویکرد ثانوی به بزه‌دیده‌شناسی یا بزه‌دیده‌شناسی حمایتی از آغاز سال‌های ۱۹۷۰ میلادی به دنبال پیدایش برخی از جریان‌های سیاسی - عقیدتی مثل جنبش حمایت از حقوق زنان از یک طرف و انتقادهای وارده از طرف حقوقدانان و جرم‌شناسان از جمله کلارک و لویس به دیدگاه‌های بزه‌دیده‌شناسی علمی از طرف دیگر شکل گرفت و بعدها توسعه و تکامل پیدا کرد. نگاه این نوع بزه‌دیده‌شناسان نسبت به بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی حمایتی است و معتقدند که جامعه به طور کلی و نظام عدالت کیفری به طور خاص باید در سیاست‌گذاری‌ها و جهت‌گیری‌های تقنینی و قضایی منافع و مصالح و حقوق بزه‌دیدگان را بیش از پیش مورد توجه قرار دهد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۱، ص ۱۳؛ عبدالفتاح، ۱۳۷۸، ص ۱۱۵).

۲. معنای حقوقی بزه‌دیده، یک بزه‌دیده کاملاً بیگناه را در مقابل یک مجرم گناهکار به ذهن تداعی می‌کند.

۳. اوضاع و احوال پیش جنایی (pro-criminal situations) اوضاع و احوالی هستند که زمینه را برای فعلیت بخشیدن به اندیشه مجرمانه یا گذار از اندیشه به عمل مجرمانه تسهیل می‌کنند. این اوضاع و احوال یا ناظر به خود بزه‌دیدگان بالقوه یا بالفعل جرایم و یا به میزان تهدید و خطر ناشی از ارتکاب جرم (خطر شناسایی و دستگیری و تهدید نظام عدالت کیفری) هستند و یا به عوامل بوم شناختی مثل تاریکی و خلوت بودن محل مربوط هستند.

4. Benjamin Mendelson

بزه‌دیده‌شناسی پرداخت و در این راستا شخصیت بزه‌دیده و میزان نقش و سهم وی در تکوین جرم را مورد مطالعه قرار داد و طبقه‌بندی‌های مختلفی از بزه دیدگان براساس معیارهای مختلف از جمله معیار تقصیر و مسئولیت ارائه داد (لپز و فیلیزولا، ۱۳۷۹، ص ۵۳). از نظر مندلسون می‌توان بزه دیدگان را به پنج گروه طبقه‌بندی نمود:

الف. بزه دیدگان کاملاً بی‌گناه؛ مثل کودکان بزه‌دیده؛

ب. بزه دیدگان با کمینه تقصیر مثل بزه‌دیدگان محرک؛

پ. بزه دیدگان با مسئولیت همسان با مجرم؛ مثل قتل از روی ترحم (أتانازی)؛^۱

ت. بزه دیدگانی که بیش از بزه‌کار یا به تنهایی مقصرند؛ مثل بزه‌دیده‌ای که خود عمداً با موانعی که دیگران به صورت غیر مجاز در مسیر او ایجاد کرده‌اند برخورد می‌کند و می‌میرد؛

ث. بزه دیدگان با مسئولیت مجرمانه تام؛ مثل بزه‌دیده متجاوز که در مقام دفاع مشروع توسط مدافع کشته می‌شود (لپز و فیلیزولا، ۱۳۷۹، ص ۵۲).

از پیشگامان دیگر این علم، که به مطالعه آکادمیک بزه‌دیده پرداخته است، «هانس فون هنتیگ»^۲ دانشمند آلمانی تبار آمریکایی، است. وی در سال ۱۹۴۸ در کتاب خود با عنوان «بزه‌کار و قربانی او» مفاهیم بنیادین بزه‌دیده‌شناسی علمی یعنی مفهوم «بزه‌کار - بزه‌دیده»، «بزه‌دیده پنهان»، و «رابطه خاص بزه‌کار - بزه‌دیده» را مطرح کرد (لپز و فیلیزولا، ۱۳۷۹، ص ۵۴). و با انتقاد از تمایز قانونی میان مجرمان و بزه دیدگان بر این نکته تأکید کرد که قانون نتایج خاص و اقدامات نهایی را که به آن نتایج منجر می‌گردد، در نظر می‌گیرد و تفاوت آشکاری بین مرتکب و قربانی جرم قائل می‌شود. ما در موارد قابل توجهی با نگاه به تکوین موقعیتی که منجر به وقوع جرم می‌شود، بزه‌دیده‌ای را می‌بینیم که با سکوت خویش رضایت داده، همکاری کرده و یا با بزه‌کار تبانی کرده و یا او را تحریک نموده است؛ بزه‌دیده یکی از عناصر علی و سببی وقوع جرم می‌باشد (عبدالفتاح، ۱۳۷۸، ص ۱۱۵).

1. Euthanasia
2. Hans Von Hentig

به عقیده فون هنتیگ و سایر پیشگامان بزه‌دیده‌شناسی اولیه، نقش بزه‌دیده در ارتکاب جرم می‌تواند یک نقش انگیزشی (برانگیختگی، تهییج) یا یک نقش تکمیلی (تسهیل و مشارکت) باشد (Daigle, 2013, pp. 2-3).

براساس یافته‌های بزه‌دیده‌شناسی علمی، برخی افراد مثل زنان، کودکان، سالمندان، ناتوانان، اقلیت‌ها و معتادان به دلیل ویژگی‌های خاص زیستی، روانی و اجتماعی بیشتر از دیگران در معرض خطر بزه‌دیدگی هستند و خصوصیات شخصیتی آنها عامل محرکی برای بزهکاران بالقوه است. بنابراین، شناسایی این قبیل بزه‌دیدگان بالقوه و یا بالفعل و حمایت‌های ویژه و افتراقی از آنان می‌تواند در پیشگیری اولیه، ثانویه و ثالثه از بزه‌دیدگی آنها مؤثر باشد.

مطابق این یافته‌ها تعداد قابل توجهی از بزه‌دیدگان هم، قربانی روابط خاصی می‌شوند که با بزهکار دارند؛ مثل رابطه ابوت، رابطه زوجیت و رابطه کارگری و کارفرمایی و رابطه استخدامی. شناسایی این رابطه‌ها و مداخله در آنها، به ویژه زمانی که این رابطه‌ها بحرانی است، در پیشگیری ثانویه و ثالث از بزهکاری و بزه‌دیدگی بسیار مؤثر است.

گاهی هم بزه‌دیدگان نقش سببی خود در بزهکاری و بزه‌دیدگی را از طریق اتخاذ شیوه و سبک خاص زندگی و نحوه فعالیت روزانه ایفا می‌کنند؛ بنابراین، براساس یافته‌های بزه‌دیده‌شناسی علمی و نتایج نظریه‌های «سبک زندگی»^۱ و «فعالیت روزمره»^۲.

۱. نظریه «سبک زندگی Life style theory» در سال ۱۹۷۸ توسط مایکل هیندلانگ (Michael Hindelang)، مایکل گانفردسون (Michael Gottfredson) و جیمز گاروفالو (James Garofalo) مطرح شد. براساس این نظریه مردم با وارد شدن به سبک‌های زندگی و برگزیدن شیوه‌های خاص زندگی مثل سبک زندگی کارمندی و مجردی، که آنها را برای بزهکاران دسترس پذیر نموده و به آماج‌های آسان‌تری برای ارتکاب جرم تبدیل می‌کند، خود در بزه‌دیدگی خود نقش ایفا ن (دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم، ۱۳۹۳، ج ۱، صص ۷۴۶-۷۴۷).
۲. نظریه فعالیت روزمره (Routine activity theory) در سال ۱۹۷۹ توسط مارکوس فلسون (Marcus felson) و لورنس کوهن (Laurence cohen) ارائه گردید. براساس این نظریه، جرم حاصل ترکیب سه مولفه زیر است: «وجود یک مرتکب برنگیخته» (Motivated offender)، «وجود آماج مناسب» (Suitable target) و «فقدان مانع» (Lack of guardianship) (پاک نهاد، ۱۳۸۸، ص ۲۴۷؛ رحیمی نژاد، ۱۳۹۵، ص ۱۰۵).

می‌توان از طریق تغییر سبک زندگی و فعالیت‌های روزانه از بزه‌دیدگی و بزهکاری پیشگیری نمود.

چون فرصت‌های ناشی از سبک زندگی خود بزه‌دیدگان و رفتار آنان در فرایند گذر از اندیشه به عمل مجرمانه نقش مهمی ایفا می‌کنند (گسن، ۱۳۷۶، ص ۶۱۳).
با عنایت به آنچه گفته شد، مساله اصلی این پژوهش این است که آموزه‌های بزه-دیده‌شناسی علمی تا چه اندازه و در چه حوزه‌هایی سیاست جنایی ایران را تحت تأثیر قرار داده و چه ایرادهایی از این منظر بر آن وارد است؟ این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی میزان بازتاب این آموزه‌ها بر سیاست جنایی ایران را در دو حوزه حقوق کیفری و حقوق پیشگیری مورد مطالعه و ارزیابی قرار می‌دهد.

بازتاب آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی علمی در حقوق کیفری

۱۶۷

میزان بازتاب آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی علمی در حقوق کیفری را می‌توان در سه محور «تعدیل یا حذف مسئولیت کیفری مرتکب بر اساس تقصیر بزه‌دیده»، «حمایت کیفری تشدید و افتراقی از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر» و «ممنوعیت ارتباط بزهکار و بزه‌دیده» مورد مطالعه قرار داد.

۱. تعدیل یا حذف مسئولیت کیفری مرتکب بر مبنای تقصیر بزه‌دیده

یکی از محورهای عمده توجه قانونگذار به تقصیر بزه‌دیده به مسئولیت کیفری نسبی یعنی تعدیل یا حذف مسئولیت کیفری مرتکب بر اساس تقصیر بزه‌دیده مربوط است. حقوق کیفری ایران تقصیر بزه‌دیده را در مواردی مثل «تحریک»، «دفاع مشروع»، «اقدام علیه خود» و «تصادم» مورد توجه قرار داده و در تخفیف یا رفع یا منع مسئولیت کیفری مرتکب مؤثر دانسته است. هر چند در بیشتر این موارد، قانونگذار بر اساس مبانی فقهی اقدام به قانونگذاری کرده است، به دلیل ارتباط و همخوانی این مبانی با آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی علمی در این قسمت به بررسی انتقادی همه این موارد می‌پردازیم:

۱-۱. رفتار و گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده

حقوق کیفری ایران، «رفتار و گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده» را در مقررات مربوط به «کیفیات مخففه» (ماده ۳۸ بند پ)، «تعلیق اجرای کیفر» (ماده ۴۶)، «معافیت از کیفر» (ماده ۳۹)، «تعویق صدور حکم» (ماده ۴۰) قانون مجازات اسلامی و «ترک تعقیب» (ماده ۸۰) قانون آیین دادرسی کیفری به صورت صریح یا ضمنی مورد توجه قرار داده و در تخفیف، تعلیق، معافیت از کیفر، تعویق صدور حکم و یا خودداری از تعقیب متهم مؤثر دانسته است.

در ارزیابی این مقررات بر اساس آموزه های بزه‌دیده شناسی چند نکته از اهمیت خاصی برخوردار است: نخست اینکه، هر چند قانونگذار به صورت آگاهانه و با تاثیر پذیری از آموزه های بزه‌دیده شناسی علمی در بند پ ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به جای واژه «مجنی علیه» مندرج در بند ۳ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، از عبارت «بزه‌دیده» استفاده کرده (رستمی تبریزی و اکبری، ۱۳۹۲، ص ۹۳؛ جوان جعفری و شاهیده، ۱۳۹۲، ص ۲۶) و بدین ترتیب قلمرو اعمال مقررات مربوط به تخفیف مجازات در موارد تحریک را توسعه داده است. با وجود این، تخفیف مجازات منحصر به جرایم تعزیری است و قانونگذار در جرایم غیرتعزیری از جمله قتل و ضرب و جرح (به استثنای قتل‌ها و ضرب و جرح‌های موضوع بندهای پ، ت و ث ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی) به تقصیر بزه‌دیده و اعمال و گفتار تحریک‌آمیز وی توجه کافی نکرده است و حتی در خود جرایم تعزیری هم، قرار خودداری از تعقیب متهم، تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، معافیت از مجازات، برابر ماده ۸ قانون آیین دادرسی کیفری و مواد ۴۰، ۴۷ و ۴۹ قانون مجازات اسلامی به جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، شش تا هشت، سه تا هشت و هفت و هشت محدود گردیده است.

دوم اینکه، تخفیف و یا تعلیق مجازات، تعویق صدور حکم، معافیت از مجازات، خودداری از تعقیب برابر مواد مذکور برای دادگاه امری اختیاری است. هر چند اعطای این اختیار بر اساس مبانی فقهی به ویژه «قاعده التعزیر بما یراه الحاکم» و در راستای سیاست فردی کردن قضایی مجازات‌ها صورت گرفته است، لکن به دلیل گستردگی این

اختیار، امکان انحراف سیاست جنایی قضایی از اهداف سیاست جنایی تقنینی وجود دارد. بنابراین، بهتر آن است که قانونگذار اعمال و گفتار تحریک آمیز بزه‌دیده را به عنوان یک کیفیت مخففه قانونی و اجباری مجازات برای بزهکار در نظر بگیرد تا بدین ترتیب، هم جلو این انحرافات گرفته شود و هم زمینه برای پیشگیری بزه‌دیده شناختی از جرایم فراهم شود.

لازم به ذکر است که در نظام های حقوقی دیگر از جمله حقوق کیفری انگلستان اعمال و گفتار تحریک آمیز بزه‌دیده به موجب ماده ۳ قانون قتل نفس مصوب ۱۹۵۷ عنصر روانی لازم برای قتل عمدی را زایل نموده و موجب تبرئه متهم از اتهام قتل عمدی می‌گردد (Smith & Hogan, 1988, p. 331). در حقوق جزای ایالات متحده آمریکا و همچنین قانون جزای نمونه نیز اعمال و رفتار تحریک آمیز بزه‌دیده در جرم قتل، موجب تبدیل مجازات قتل عمدی به غیرعمدی می‌شود. در قانون جزای نمونه دفاع تحریک، علاوه بر قتل در ضرب و جرح هم پذیرفته شده است. علاوه بر این، در حقوق ایالات متحده آمریکا برخی دادگاه‌ها دفاع تحریک را در جرم تحریک عمدی اموال دیگران هم، به دلیل اینکه سوءنیت را زایل می‌کند، پذیرفته‌اند. در مجموع قانون جزای نمونه این اختیار را به دادگاه‌ها داده است تا در صورتی که بزه‌دیده رفتار مجرمانه متهم را تحریک یا تسهیل نموده، دوره مراقبت را جایگزین حبس کنند (Bergelson, 2005, P.436).

سوم اینکه، قانونگذار برای رفتار و گفتار تحریک آمیز بزه‌دیده و تقصیر وی هیچ ضابطه و معیاری مشخص نکرده است. این امر ممکن است به تفسیر های متفاوت از قانون و صدور احکام متعارض منجر گردد. به عبارت دیگر برخی دادگاه ها براساس ملاحظات جرم شناختی و بزه‌دیده شناختی هر نوع اعمال و رفتار تحریک آمیز بزه‌دیده، برای مثال قدم زدن تنهایی زنی در تاریکی شب و در یک خیابان خلوت را رفتاری تحریک آمیز تلقی کنند؛ در حالی که قضات دیگر ملاحظات حقوقی را مدنظر قرار داده و تحقق رفتار و گفتار تحریک آمیز بزه‌دیده را مشروط به احراز تقصیر (در معنای حقوقی) وی نمایند.

۱-۲. دفاع مشروع

مورد دیگری که می‌توان نقش تقصیر بزه‌دیده را در آن مشاهده کرد، مربوط به دفاع مشروع است. برای توجیه عدم مسئولیت کیفری فرد مدافع، نظریه‌های مختلفی مطرح شده است که به نظر می‌رسد، مهمترین مبنای آن در تمامی موارد دفاع، تقصیر بزه‌دیده (حمله غیرقانونی بزه دیده متجاوز) از یک طرف و اعمال حق از طرف دیگر است. بزه دیده متجاوز در واقع با حمله به شخص بی‌گناه، حق بر تمامیت جسمانی و حتی حیات خود را تحت شرایطی از دست می‌دهد.

بر همین اساس قانونگذار ایران در مواد ۱۵۶، ۳۰۲ (بندت)^۲ و ۳۸۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ دفاع مشروع را از موانع مسئولیت کیفری تلقی کرده و مرتکب قتل را از قصاص و دیه و تعزیر مبرا دانسته است و در صورت تجاوز از مراتب دفاع مشروع و با لحاظ تقصیر خود بزه‌دیده برای مرتکب برابر تبصره ۲ ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی^۳ مجازات تعزیری و دیه پیش‌بینی کرده است.^۴

این سیاست جدید مقنن در وضع مقررات مربوط به تبصره ۲ ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی (۱) ۱۳۹۲ را می‌توان در راستای توجه بیشتر به معیارهای دادرسی عادلانه، رویه قضایی و همچنین آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی علمی، ارزیابی کرد.

۱. ماده ۱۵۶: «هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هر گونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب الوقوع با رعایت مراحل دفاع مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی‌شود:
 - (الف) رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد.
 - (ب) دفاع مستند به قرائن معقول یا خوف عقلایی باشد.
 - (پ) خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد.
 - (ت) توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود.
۲. برابر ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی: «در صورتی که مجنی علیه دارای یکی از حالات زیر باشد، مرتکب به قصاص و پرداخت دیه محکوم نمی‌شود...
 - (ت) متجاوز و کسی که تجاوز او قریب الوقوع است و در دفاع مشروع به شرح مقرر در ماده ۱۵۶ این قانون جنایتی بر او وارد شود.
۳. به موجب ماده ۳۸۰ قانون مجازات اسلامی: «اگر شخصی برای دفاع و رهایی از اکراه با رعایت شرایط مقرر در دفاع مشروع مرتکب قتل اکراه کننده شود یا آسیبی به او وارد کند، قصاص و دیه و تعزیر ندارد».
۴. تبصره ۲ ماده ۳۰۲: «... چنانچه نفس دفاع صدق کند ولی از مراتب آن تجاوز شود، قصاص متفی است؛ لکن مرتکب به شرح مقرر در قانون به دیه و مجازات تعزیری محکوم می‌شود».
۵. قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ برای تجاوز از مراتب دفاع، حکم صریحی پیش‌بینی نکرده بود و ظاهراً بدون در نظر گرفتن تقصیر خود بزه‌دیده چنین دفاعی را نامشروع تلقی کرده و مشمول مقررات کلی می‌دانست رویه قضایی هم چندان تمایلی به تبعیت از سیاست جنایی تقنینی مقنن نداشته و در این قبیل موارد به پرداخت دیه و مجازات تعزیری نظر داشت.

۱-۳. رضایت بزه‌دیده

گروه سوم از بزه دیدگان مقصر از دیدگاه بزه‌دیده‌شناسان اولیه، کسانی هستند که دارای مسئولیت مجرمانه همسان با مجرم هستند. مصداق بارز این نوع بزه دیدگان، همانگونه که مندلسون نیز در طبقه‌بندی خود از بزه دیدگان به آن اشاره می‌کند، بزه دیدگانی هستند که با رضایت خود سبب قتل خود را فراهم می‌آورند؛ مثل موردی که پزشک با رضایت کامل بیمار لاعلاج و تقاضای مکرر او، از روی ترحم به حیات وی پایان می‌دهد (لپز و فیلیزولا، ۱۳۷۹، ص ۵۳) و یا زنی که با علم به مبتلا بودن مردی به بیماری ایدز، از روی اراده و اختیار با وی ازدواج می‌کند و در اثر ابتلا به این بیماری می‌میرد.

بر اساس این آموزه‌ها با عنایت به نقش سببی خود بزه‌دیده در مورد اول باید به سقوط قصاص و دیه و در مورد دوم باید حکم به تنصیف دیه داد. با وجود این، قانونگذار احکام این موارد را در قانون مشخص نکرده است. شاید دلیل این امر این بوده است که قانونگذار اساساً اعتقادی به تاثیر رضایت و اذن مجنی علیه در سقوط قصاص و دیه نداشته است. به هر حال در موارد سکوت قانون ممکن است دادگاه‌ها به استناد اصل ۱۶۷ قانون اساسی به منابع معتبر فقهی مراجعه نمایند و با عنایت به اینکه در منابع معتبر فقهی دیدگاه‌ها متفاوت است، احکام متفاوتی را در موارد مشابه صادر نمایند؛ لذا بهتر است قانونگذار موضع خود را در این خصوص به صورت شفاف بیان نماید. شایان ذکر است که در منابع معتبر فقهی، هیچ اختلافی در خصوص احکام تکلیفی (حرمت عمل) جنایاتی که با اذن و رضایت خود مجنی علیه انجام می‌شود، میان فقها وجود ندارد. لکن در باره احکام وضعی (قصاص و دیه) این نوع جنایت‌ها اختلاف نظر وجود دارد. برخی از فقها (علامه حلی، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۱۹۶؛ محقق حلی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۱۹۱۴؛ موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۴، صص ۲۷۹-۲۸۰؛ مدنی تبریزی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۲۳) معتقدند که اذن در قتل یا جرح قصاص و دیه را ساقط می‌کند؛ زیرا مقتول یا مجروح عاقل، حق خویش را با اذن در جنایت ساقط می‌کند. عده ای دیگر از فقها هم (صاحب جواهر، ۱۹۸۳م، ج ۴۳، ص ۵۳؛ موسوی خویی، ۱۳۹۶ق، ج ۲، ص ۱۶) معتقدند که اذن و رضایت به جنایت مسقط قصاص و دیه نیست؛ زیرا

شخص در کشتن خود تسلط ندارد. علاوه بر این، این نوع اسقاط از موارد اسقاط مالم یجب است. از میان این دو تا قول، قول اول قوی تر به نظر می‌رسد. چون قصاص و دیه ماهیت حق الناسی دارد و اولاً و بالذات حق خود مجنی علیه است و در صورت فوت و عدم اعمال و اسقاط آن توسط خود مجنی علیه به ورثه منتقل می‌شود. بنابر این، همانگونه که با عفو مجنی علیه پس از ارتکاب جنایت، قصاص و دیه ساقط می‌شود با اذن او به جنایت نیز این حق از بین می‌رود. علاوه بر این، اذن به جنایت در این قبیل موارد، اذن به جنایتی است که حتمی و قطعی بوده و در حکم جنایات فعلی می‌باشد. فقها نیز (نیکزاد و جور سرایی، ۱۳۹۱، ص ۴۳) در بسیاری موارد مثل اسقاط اختیار در ضمن عقد، اسقاط ذمه طبیب توسط بیمار قبل از عمل جراحی، اذن قبلی به اتلاف مال به مشروعیت اسقاط مالم یجب نظر داده‌اند؛ از طرف دیگر این نظر با مقتضیات قاعده در نیز سازگارتر است. برخی از حقوقدانان (میر محمد صادقی، ۱۳۸۶، صص ۳۴۴، ۱۹۱، ۱۹۰؛ صادقی، ۱۳۸۲، ص ۶۱) هم، چنین نظری داشته و تفاوت قایل شدن بین این دو مورد را فاقد توجیه می‌دانند و معتقدند که این نظر با موازین عدالت و انصاف نیز سازگار تر می‌باشد.

قابل ذکر است که در حقوق ایالات متحده آمریکا نیز برابر مقررات قانون جزای نمونه، رضایت به قتل یا اعمال کشنده، به عنوان یک کیفیت مخففه در مجازات اعدام پیش‌بینی شده است و حدود ۱۸ ایالت از ۳۲ ایالت آمریکا با پیروی از متن قانون جزای نمونه، رضایت بزه‌دیده به اعمال کشنده یا مشارکت وی در این اعمال را عامل مخففه مجازات اعدام پیش‌بینی کرده‌اند (Bergolson, 2005, p. 437)

۴-۱. اقدام بزه‌دیده علیه خود

یکی دیگر از مواردی که می‌توان نقش تقصیر بزه‌دیده را در آن مشاهده کرد، اقدام بزه‌دیده علیه خود است، که در حقوق اسلامی تحت عنوان «قاعده اقدام» از آن یاد می‌شود؛ اقدام بزه‌دیده علیه خود گاهی به صورت مباشرت یا تسبیب است؛ زمانی به شکل فعل یا ترک فعل است و گاهی هم به صورت عمدی یا خطایی است. قانونگذار

ایران در مواد ۵۰۴، ۵۰۷، ۵۱۲، ۵۳۷؛ قانون مجازات اسلامی و ماده ۲۶ قانون راهنمایی و رانندگی^۵ مصوب ۱۳۸۹ به حالت‌های مختلف این نوع تقصیر بزه‌دیده اشاره کرده است. قانونگذار در مواد ۵۰۷ و ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی و ماده ۲۶ قانون راهنمایی و رانندگی، به آن دسته از بزه دیدگانی اشاره می‌کند که در طبقه‌بندی بزه دیده شناسان اولیه در گروه چهارم از بزه دیدگان مقصر قرار دارند؛ یعنی بزه دیدگانی که تقصیر آنان به مراتب بیشتر از بزه‌کاران بوده و با اقدام عمدی خود در برخورد با موانعی که دیگران به صورت غیرمجاز آن را در مسیر تردد و رفت و آمد دیگران قرار داده‌اند، نقش علی را در بزه دیدگی خود ایفاء می‌نمایند و یا از طریق عدم انجام تکالیفی که قانونگذار برعهده آنان گذاشته است، سبب اصلی جنایت علیه خود را فراهم

۱. ماده ۵۰۴: «هرگاه راننده‌ای که با داشتن مهارت و سرعت مجاز و مطمئن و رعایت سایر مقررات در حال حرکت است، در حالی که قادر به کنترل وسیله نقلیه نباشد و به کسی که حضورش در آن محل مجاز نیست، بدون تقصیر برخورد نماید، ضامن متنفی و در غیر این صورت راننده ضامن است».
۲. ماده ۵۰۷: «هرگاه شخصی در معابر و اماکن عمومی یا ملک دیگری بدون اذن مالک، گودالی حفر کند یا چیز لغزنده‌ای قرار دهد و یا هر عملی انجام دهد که سبب آسیب دیگری گردد، ضامن دیه است، مگر اینکه فرد آسیب دیده با علم به آن و امکان اجتناب عمداً با آن برخورد نماید».
۳. ماده ۵۱۲: «هرگاه شخصی در محل‌هایی که توقف در آنها مجاز نیست، توقف نماید یا شی یا حیوانی را در این قبیل محل‌ها مستقر سازد یا چیز لغزنده‌ای در آن قرار دهد و دیگری بدون توجه به آنها در اثر برخورد یا لغزش مصدوم شود یا فوت کند یا خسارت مالی ببیند، شخص متوقف یا کسی که آن شی یا حیوان را مستقر نموده یا راه را لغزنده کرده است، ضامن دیه و سایر خسارات می‌باشد. مگر اینکه عابر با وسعت راه و محل عمداً با آن برخورد نماید که در این صورت نه فقط خسارت به او تعلق نمی‌گیرد بلکه عهده‌دار خسارت وارده هم می‌باشد».
۴. ماده ۵۳۷: «در کلیه موارد مذکور در این فصل هرگاه جنایت منحصرأ مستند به عمد و یا تقصیر مجنی علیه باشد، ضامن ثابت نیست. در مواردی که اصل جنایت مستند به عمد یا تقصیر مرتکب باشد، لکن سرایت آن مستند به عمد یا تقصیر مجنی علیه باشد مرتکب نسبت به مورد سرایت ضامن نیست».
۵. ماده ۲۶ قانون راهنمایی و رانندگی: «در راه‌هایی که برای عابران پیاده علائم، تجهیزات و مسیرهای ویژه اختصاص داده شده است، عابران مکلفند هنگام عبور از عرض یا طول سواره‌رو، با توجه به علائم راهنمایی و رانندگی منصوبه در محل از نقاط خط‌کشی شده، گذرگاه‌های غیرمسطح و مسیرهای ویژه حرکت کنند. هرگاه عابران به این تکلیف عمل نکنند، در صورت تصادم با وسیله نقلیه، راننده مشروط بر اینکه مقررات را رعایت نموده باشد و قادر به کنترل وسیله نقلیه و جلوگیری از تصادف یا ایجاد خسارت مادی و بدنی نباشد، مسئولیتی نخواهد داشت...»

می‌کنند و در نتیجه خودشان ضامن خسارت وارده بر خود می‌باشند. اقدام بزه‌دیده علیه خود را می‌توان در قالب قاعده‌ی تحذیر و نادیده گرفتن هشدارهای قانونی نیز مطرح کرد. بر این اساس، هرگاه بزه‌دیده به هشدارهای قانونی توجه نکرده و خودآگاهانه خطر را بپذیرد و از این طریق موجبات بزه دیدگی خود را فراهم آورد، خود مقصر خواهد بود. بهترین مثال برای این نوع تقصیر در حقوق ایران تبصره ۲ ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی است. براساس این تبصره «هرگاه کسی در ملک دیگری و بدون اذن او، مرتکب یکی از کارهای مذکور در ماده ۵۰۷ این قانون گردد و شخص ثالثی که بدون اذن وارد ملک شده است آسیب ببیند، مرتکب عهده‌دار دیه است؛ مگر اینکه بروز حادثه و صدمه مستند به خود مصدوم باشد که در این صورت مرتکب ضامن نیست، مانند اینکه مرتکب علامتی هشدار دهنده بگذارد یا درب را قفل کند لکن مصدوم بدون توجه به علایم یا با شکستن درب وارد شود».

از دقت و تأمل در مقررات مربوط به تقصیر بزه‌دیده در قالب اقدام علیه خود، می‌توان به این نتیجه رسید که سیاست جنایی ایران در این خصوص نیز بیشتر بر اساس موازین فقهی شکل گرفته است و در عین حال با آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی علمی هم سازگار می‌باشد. نکته مهمی که ذکر آن از اهمیت خاصی برخوردار است، این است که قانونگذار در قسمت اخیر ماده ۲۶ قانون راهنمایی و رانندگی مصوب ۱۳۸۹ بزه‌دیده کاملاً مقصر را مستحق دریافت خسارت از شرکت‌های بیمه یا صندوق جبران خسارت‌های بدنی موضوع قانون بیمه اجباری خسارات وارده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ دانسته‌است و این در حالی است در نظام‌های حقوقی کشورهای دیگر از جمله فرانسه به موجب مقررات قانون جبران خسارت از قربانیان حوادث رانندگی مصوب ۱۹۸۵ و ماده ۷۰۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۲۰۰۰ در صورتی که بزه‌دیده مقصر بوده و علت اصلی حادثه باشد، حق مطالبه خسارت را ندارد.

۱-۵. تصادم با افراد یا وسایل نقلیه

تصادم و برخورد دو یا چند نفر و یا دو یا چند وسیله نقلیه با یکدیگر (یا همدیگر) از

جمله مواردی است که در آن فرد می‌تواند هم بزه‌کار و هم بزه‌دیده باشد. این امر بیانگر همان مفهوم «بزه‌کار - بزه‌دیده» در ادبیات بزه‌دیده شناختی فون هنتیگ است؛ بنابراین، مساله این است که در این قبیل موارد مسئولیت کیفری تصادم کنندگان چگونه تعیین می‌شود و قانونگذار در این موارد چه رویکردی اتخاذ کرده است؟ در پاسخ به این مساله باید گفت که قانونگذار در ماده ۵۲۷ قانون مجازات اسلامی در صورت برخورد بی‌واسطه دو نفر و کشته شدن یا آسیب دیدن آنها، خود بزه دیدگان و یا اولیای دم آنان را مستحق دریافت نصف دیه دانسته است، مشروط بر اینکه میزان تأثیر برخورد آنان در ایجاد حادثه مساوی باشد. و در ماده ۵۲۸ این قانون در صورت برخورد دو وسیله نقلیه زمینی، آبی یا هوایی و کشته شدن راننده یا سرنشینان آنها و مقصر بودن هر دو راننده به گونه‌ای که برخورد به هر دو آنها مستند باشد، هر کدام از دو راننده را مسئول نصف دیه راننده مقابل و سرنشینان هر دو وسیله نقلیه دانسته است.

چنانچه ملاحظه می‌شود، قانونگذار در این موارد هم به تقصیر بزه‌دیده توجه کرده است. با وجود این، ایراد مهمی که بر رویکرد قانونگذار در این رابطه وارد است، این است که در ماده ۵۲۷، که اختصاص به برخورد دو یا چند نفر دارد، در توزیع مسئولیت میان بزه‌کار و بزه‌دیده از معیار «میزان تأثیر برخورد و نحوه مداخله آنها در حادثه» تبعیت کرده است؛ به عبارت دیگر همانگونه که از مفهوم مخالف شرط پیش بینی شده در این ماده استفاده می‌شود، در صورت متفاوت بودن نحوه مداخله و میزان تأثیر برخورد هر کدام از آنان در ایجاد حادثه مسئولیت آنان نیز متفاوت خواهد بود. در حالی که در ماده ۵۲۸ که مربوط به برخورد دو یا چند وسیله نقلیه است، از چنین معیاری تبعیت نکرده و صرف مقصر بودن هر دو راننده و قابل انتساب بودن برخورد به هر دو آنان را کافی برای تنصیف مسئولیت کیفری دانسته است، صرف نظر از اینکه درجه تقصیر و میزان تأثیر کار آنان مساوی باشد یا متفاوت. این شکل و شیوه برخورد با دو موضوعی که شباهت‌های زیادی با هم دارند با عدالت تناسبی و انسجام و یکپارچگی سامانه پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه مغایر است. بهترین رویکرد آن است که در توزیع مسئولیت کیفری، هم درجه تقصیر و هم میزان مداخله هر یک از بزه‌کاران و بزه دیدگان در نظر گرفته شود.

چون، همانگونه که جان رولز، فیلسوفِ معاصر آمریکایی، در تبیین نظریه عدالت می گوید عدالت مبتنی بر دو رکن است یکی از آنها برابری و دیگری تفاوت است. برابری یعنی رفتار برابر با برابرها در شرایط برابر و تفاوت یعنی رفتار نابرابر با نابرابرها در شرایط نابرابر (Rawls, 2009, p.52)؛ البته با فرض اینکه مقنن در انشاء این مقررات به تساوی در تاثیر نظر داشته است این اشکال تا حدودی بر طرف می شود.

۲. حمایت کیفری تشدید و افتراقی از بزه دیدگان آسیب پذیر

یکی دیگر از جلوه‌های بازتاب آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی علمی در حقوق کیفری، به حمایت کیفری تشدید و افتراقی قانونگذار از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر مربوط است. قانونگذار علاوه بر حمایت کیفری ساده و معمولی از بزه‌دیدگان جرایم از رهگذر جرم‌انگاری و کیفرگذاری رفتارهای مجرمانه، گاهی هم بر مبنای ملاحظات بزه‌دیده‌شناختی و سیاست جنایی، حمایت کیفری خود از بزه‌دیدگان جرایم را تشدید نموده و یا به حمایت کیفری افتراقی روی می‌آورد (رایجیان اصل، ۱۳۸۴، صص ۷۸-۷۷). در این قسمت به بررسی این دو رویکرد حمایتی می‌پردازیم.

۲-۱. حمایت کیفری تشدید از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر

حقوق کیفری ایران با در نظر گرفتن خصوصیات زیستی، روانی و اجتماعی بزه‌دیدگان در موارد مختلف به حمایت کیفری مبتنی بر تشدید مجازات روی آورده است. مهمترین این موارد عبارت است از: تشدید مجازات آدم‌ربایی با در نظر گرفتن سن بزه‌دیده برابر مقررات ماده ۶۲۱ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، تشدید مجازات جرم زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن زن برابر مقررات تبصره ۲ ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، عمدی تلقی کردن جنایات وارده بر مجنی علیه به دلیل بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت آسیب‌شناختی دیگر در مواردی که جنایت ماهیتاً عمدی نیست برابر مقررات بند پ ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، تشدید مجازات مرتکبان جرایم مواد مخدر در صورت وادار کردن اطفال و نوجوانان و افراد محجور عقلی به مصرف یا ارتکاب هر یک از جرایم مربوط به موادمخدر مطابق مقررات ماده ۳۵ قانون مبارزه با مواد مخدر اصلاحی ۱۳۸۹، امکان استفاده از قرار بازداشت موقت در صورت ایجاد مزاحمت و آزار و اذیت بانوان و اطفال برابر بند ت ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲.

قانونگذار در این مقررات با در نظر گرفتن وضعیت آسیب‌شناسانه بزه‌دیدگان، حمایت کیفری خود را با هدف پیشگیری از بزه‌دیدگی این افراد، تشدید نموده است.

لکن این حمایت، حمایتی منسجم و یکپارچه نیست. چون افراد در معرض خطر بزه‌دیدگی فقط زنان و دختران و اطفال و نوجوانان نیستند. برخی افراد به دلیل خصوصیات روانی در معرض خطر بزه‌دیدگی هستند، گاهی هم ویژگی‌های نژادی، قومیتی، ملیتی و دینی افراد آنان را در معرض خطر بزه‌دیدگی قرار می‌دهد؛ به عبارت دیگر، برخی جرایم مبتنی بر نفرت نژادی، قومیتی، ملیتی و دینی است.^۱ پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی این نوع جرایم مستلزم حمایت کیفری بیشتر است.

۲-۲. حمایت کیفری افتراقی از بزه‌دیدگان جرایم

حمایت کیفری افتراقی از بزه‌دیدگان جرایم به آن نوع حمایت کیفری گفته می‌شود که از طریق جرم‌انگاری‌های ویژه بر پایه شرایط و اوضاع و احوال آسیب‌شناختی و شخصیتی بزه‌دیدگان صورت می‌گیرد (رایجیان اصل، ۱۳۸۴، ص ۷۹).

این نوع حمایت از بزه‌دیدگان با هدف پیشگیری از بزه‌دیدگی گونه‌های خاص بزه‌دیدگان از طریق جرم‌انگاری رفتارهایی مثل توهین به زنان و کودکان و ایجاد مزاحمت برای آنان (ماده ۶۱۹)، سوءاستفاده از اطفال برای تکدی‌گری (ماده ۷۱۳)، سوءاستفاده از ضعف نفس افراد غیررشید (ماده ۵۹۶)، تدلیس در ازدواج (ماده ۶۴۷) دزدیدن، مخفی کردن طفل، معرفی کردن او بجای طفل دیگر، رها کردن طفل یا شخص ناتوان (مواد ۶۳۱ و ۶۳۳) از قانون تعزیرات ۱۳۷۵ و ازدواج با دختر نابالغ (ماده ۵۰)، ترک تفقه (ماده ۵۳)، ازدواج بدون ثبت در دفاتر اسناد رسمی (ماده ۴۹)، از قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، قاچاق زنان در قانون قاچاق انسان ۱۳۸۳، کودک آزاری برابر قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۸۱، صورت می‌گیرد.

۱. جرایم ناشی از نفرت hate crimes، جرایمی هستند که با انگیزه مبتنی بر نفرت نسبت به قومیت، ملیت، جنسیت و ناتوانی بزه دیده ارتکاب می‌یابند. در نظامهای حقوقی مختلف بر خورد های متفاوتی با این نوع جرایم می‌شود. در برخی از نظام های حقوقی مثل ایالات متحده آمریکا و انگلستان جرایم مبتنی بر نفرت به صورت مستقل جرم انگاری شده اند. و در برخی نظامهای حقوقی دیگر انگیزه نفرت به عنوان یک کیفیت مشدده مجازات در نظر گرفته شده است در نظام حقوقی ایران جرایم مبتنی بر نفرت نه به صورت مستقل جرم انگاری شده است و نه انگیزه نفرت به شکل یک کیفیت مشدده پیش بینی شده است (برای مطالعه در خصوص جرایم ناشی از نفرت ر.ک: صادقی سالار، ۱۳۹۵).

۱-۳- ممنوعیت برقراری ارتباط میان بزه‌کار و بزه‌دیده

یکی دیگر از جلوه‌های بارز بازتاب آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی علمی در قلمرو حقوق کیفری، ممنوعیت برقراری ارتباط میان بزه‌کار و بزه‌دیده است. همانگونه که اشاره شد، بر اساس آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی علمی، بزه‌دیدگی اولیه و ثانویه در بسیاری از موارد مسبوق به وجود یک رابطه قبلی میان بزه‌کار و بزه‌دیده است. بنابراین، شناسایی این رابطه‌ها و مدیریت صحیح آنها به ویژه زمانی که این رابطه‌ها بحرانی است، در پیشگیری از تکرار بزهکاری و بزه‌دیدگی بسیار موثر است. بر همین اساس، قانونگذار ایران با هدف پیشگیری از تکرار بزهکاری و بزه‌دیدگی در دو مورد از قانون مجازات اسلامی به ممنوعیت برقراری این ارتباط اشاره کرده است. یکی از این موارد بند چ ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی است. برابر این بند، دادگاه صادرکننده قرار تعویق مراقبتی می‌تواند با توجه به جرم ارتكابی و خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی او، وی را به به اجرای دستور «خود داری از ارتباط و معاشرت با شرکاء یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه‌دیده به تشخیص دادگاه» وادار کند. مورد دیگر این نوع ممنوعیتها به بند ۴ ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مربوط است. برابر این بند و مقررات تبصره ماده مذکور، دادگاه در صورتی که مصلحت بداند می‌تواند از والدین، یا اولیاء یا سرپرست قانونی اطفال و نوجوانانی که برابر مقررات ماده ۸۸ این قانون مرتکب جرایم تعزیری می‌شوند، در خصوص «جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه» تعهد اخذ نماید.

تأثیر آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی علمی بر حقوق پیشگیری

آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی علمی نه فقط حقوق کیفری بلکه حقوق پیشگیری را هم تحت تأثیر قرار داده است.

حقوق پیشگیری از جرم، به مجموعه قوانین و مقررات ناظر بر تدابیر پیشگیرانه، ساختار و تشکیلات متولی پیشگیری از جرم و چگونگی اعمال و اجرای اقدام‌های پیشگیرانه گفته می‌شود. حقوق پیشگیری از جرم شامل «حقوق ماهوی پیشگیری از

جرم» و «حقوق شکلی پیشگیری از جرم» می‌شود. در حقوق ماهوی پیشگیری از جرم، قوانین و مقررات ماهوی مربوط به اقدام‌های پیشگیرانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. مثل قوانین و مقررات مربوط به فقرزدایی، اشتغال‌زایی و در حقوق شکلی پیشگیری از جرم، قوانین و مقررات ناظر بر ساختار و تشکیلات و چگونگی اجرای تدابیر پیشگیرانه، اعم از نهادهای مدیریت پیشگیری از جرم و تشریفات اجرای تدابیر، برنامه‌ها و سیاست‌های پیشگیرانه مورد بررسی قرار می‌گیرد (نیازپور، ۱۳۹۳، صص ۹۱-۱۱۱).

با توجه به این تقسیم‌بندی از حقوق پیشگیری، نخست به تأثیر آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی علمی بر حقوق ماهوی پیشگیری از جرم و سپس آثار این آموزه‌ها بر حقوق شکلی پیشگیری از جرم می‌پردازیم.

۱. تأثیر آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی علمی بر حقوق ماهوی پیشگیری از جرم

قانونگذار تحت تأثیر آموزه‌های جرم‌شناسی پیشگیری و بزه‌دیده‌شناسی علمی قوانین و مقررات مختلفی را در ارتباط با حقوق ماهوی پیشگیری از جرم تصویب نموده است که در این قسمت آنها را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱-۱. پیشگیری ماهوی از جرم در قوانین و مقررات مربوط به موادمخدر

با عنایت به اینکه افراد معتاد و یا در معرض خطر اعتیاد از گونه‌های خاص بزه‌دیدگان بوده و همواره می‌توانند آماج مناسبی برای بزهکاران بالقوه باشند، لذا قانونگذار به منظور پیشگیری از بزه‌دیدگی این افراد، مقرراتی را در قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ و اصلاحی ۱۳۷۶، ۱۳۸۱، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۶ تصویب نموده است. قانونگذار در ماده ۳۴ این قانون، ستاد مبارزه با موادمخدر را مکلف کرده است تا به منظور پیشگیری از اعتیاد، اقدامات لازم را انجام دهد. ستاد در راستای انجام وظایف خود و به استناد ماده ۳۴، آیین‌نامه‌ای را با عنوان «پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان به موادمخدر و حمایت از افراد در معرض خطر اعتیاد» تصویب نموده است.

این آیین‌نامه از مدل سه‌گانه پیشگیری اولیه (پیشگیری از اعتیاد)، پیشگیری ثانویه (حمایت از افراد در معرض خطر) و پیشگیری ثالثه (درمان معتادان به موادمخدر) تبعیت کرده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹، ص ۲۵). آنچه از نظر حقوق پیشگیری در این آیین‌نامه حائز اهمیت است، پیشگیری اولیه و ثانویه است.

۲-۱. پیشگیری ماهوی از جرم در قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۹ در بند د ماده ۸ خود، یکی از وظایف نیروهای انتظامی به عنوان ضابط دادگستری را پیشگیری از وقوع جرم اعلام نموده است. تردیدی نیست که نیروهای انتظامی در پیشگیری انتظامی و وضعیتی از بزهکاری و بزه‌دیدگی نقش مهمی ایفا می‌کند؛ لکن اشکالی که بر این قانون وارد است، این است که قانونگذار در این قانون، پیشگیری از جرم را در اختیار ضابطین نیروی انتظامی قرار داده است؛ در حالیکه پیشگیری علمی نمی‌تواند از آن ضابطین دادگستری باشد. این وظیفه از آن پلیس اداری و محلی است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۵). وظیفه اصلی ضابطین دادگستری کشف جرم و انجام تحقیقات مقدماتی است و نه پیشگیری از جرم.

۳-۱. پیشگیری ماهوی از جرم در قوانین و مقررات مربوط به بهزیستی

یکی دیگر از گونه‌های خاص بزه‌دیدگان و افراد آسیب‌پذیر از دیدگاه بزه‌دیده‌شناسی علمی، معلولان جسمی، روانی و زنان و کودکان بی‌سرپرست و یا بدسرپرست هستند. بنابراین، پیشگیری از بزه‌دیدگی آنها نیازمند انجام تدابیر و اقدامات پیشگیرانه و حمایتی خاص است. در این راستا قانونگذار در مقررات مختلف از جمله قانون تشکیل سازمان بهزیستی مصوب ۱۳۵۹ و اصلاحی ۱۳۷۵، قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست مصوب ۱۳۷۱ و قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ و آیین‌نامه اجرایی این قانون به تاریخ ۱۳۹۴ سازمان بهزیستی را مکلف کرده است تا اقدامات مقتضی را به منظور تدارک امکانات پیشگیری، درمانی و توانبخشی حرفه‌ای و اجتماعی معلولان جسمی و روانی و تجدید تربیت منحرفان اجتماعی و سرپرستی و رفع نیازهای مادی و معنوی زنان و کودکان بی‌سرپرست و یا

بد سرپرست انجام دهد.

سازمان بهزیستی در راستای انجام این وظایف، اقدامات مختلفی از قبیل آموزش مهارت های زندگی، آموزش زندگی خانوادگی، انجام اقدامات درمانی و پیشگیرانه از خودکشی، مداخله در وضعیت های بحرانی (فردی، خانوادگی و اجتماعی)، تشخیص و جایگزین کردن کودکان خیابانی، پذیرش و قرنطینه کردن دختران و زنان در معرض آسیب و یا آسیب دیده اجتماعی، سپردن سرپرستی کودکان و نوجوانان بی سرپرست و یا بدسرپرست به افراد و خانواده های صلاحیت دار و واجد شرایط قانونی انجام می دهد.

۴-۱. پیشگیری ماهوی از جرم در قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد

تصویب قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد در سال ۱۳۹۰ که عمدتاً با رویکردی پیشگیرانه و به ویژه پیشگیری وضعی صورت گرفته است، خود حکایت از تأثیرپذیری قانونگذار از آموزه های جرم شناختی و بزه دیده شناختی دارد.

با عنایت به اینکه ارتکاب جرایم مرتبط با فساد اداری بیشتر به علت موقعیت های مشرف به لحظه ارتکاب جرم، از جمله نبود بزه دیده حقیقی، رویت ناپذیری محیط های بسته و به طور خاص عدم شفافیت صورت می گیرد. لذا تغییر و مدیریت این وضعیت ها از طریق پیش بینی برنامه هایی که در جهت کاهش موقعیت پیش جنایی و افزایش خطر ارتکاب برای بزه کار به اجرا در می آید، می تواند از احتمال ارتکاب جرم پیشگیری نموده و یا از شدت ارتکاب آن بکاهد (ابراهیمی، ۱۳۹۳، صص ۷-۳۱).

به عبارت دیگر، وجود این ویژگی ها در سازمان ها و نهادهای دولتی و عمومی، که در واقع بزه دیدگان واقعی جرایم مرتبط با فساد اداری هستند، همچنین، غیر ملموس بودن ضرر و زیان وارده بر این نهادها و سازمان ها و قابلیت بیشتر ختنی سازی ضرر و زیان وارده بر آنها مطابق با نظریه ختنی سازی جرم^۱ توسط بزه کاران، زمینه را برای

۱. نظریه ختنی سازی جرم (Neutralization theory of crime) توسط گرشام سایکس (Gresham Sykes) و دیوید ماتزا (David Matza) در سال ۱۹۵۷ مطرح گردید. مطابق این نظریه مجرمین قبل از ارتکاب جرم، با استفاده از فنون «انکار مسئولیت»، «انکار قربانی»، «انکار ضرر

بزهکاری بزهکاران بالقوه و بزه‌دیدگی نهادها و سازمان‌های دولتی و عمومی فراهم می‌کند.

گاهی هم افزایش جرایم و مفاسد اداری در نهادها و سازمان‌های دولتی و عمومی به دلیل روابط پیچیده کاری و اداری اشخاص با محیط‌های اداری و افزایش مراجعات حضوری و فیزیکی افراد انجام می‌شود. لذا قانونگذار با اتخاذ تدابیر پیشگیرانه موقعیت مدار و بزه دیده محور سعی کرده است که از ارتکاب این نوع جرایم پیشگیری نماید. از مهمترین این تدابیر و اقدامات می‌توان به: شناسایی نقاط آسیب‌پذیر در فعالیت‌های کلان اقتصادی دولتی و عمومی توسط وزارت اطلاعات برابر ماده ۴ این قانون، شفاف‌سازی اطلاعات و استقرار و تقویت نظام‌های اطلاعاتی برابر ماده ۸، ایجاد نظام جامع اطلاعات مالیاتی مطابق بند ب ماده ۹، مکانیزه کردن فرایند امور مالی و مکاتبات اداری (ماده ۲۰)، مکانیزه کردن سامانه پاسخگویی به شکایت به منظور خودداری از مراجعات حضوری مردم (ماده ۲۵)، شفاف‌سازی فرایندهای اداری (ماده ۴، ۸، ۹) اشاره کرد.

۵-۱. پیشگیری از جرم در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز

قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ از قوانین دیگری است که پیشگیری وضعی و موقعیت مدار را در اولویت قرار داده و مقرراتی را در این خصوص پیش بینی کرده است که از مهمترین آنها می‌توان به الکترونیکی کردن اسناد و مدارک براساس بند ب ماده ۶ و بند الف ماده ۱۰، شناسه‌دار کردن انبارها برابر بند ت ماده ۶، انضباط بخشی به وسایل حمل و نقل مطابق بند چ ماده ۶، جاذبه‌زدایی از کالاهای قاچاق برابر ماده ۱۴ اشاره کرد (ابراهیمی، ۱۳۹۲، صص ۱۳۱-۱۵۲).

۲. تأثیر آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی علمی بر حقوق شکلی پیشگیری از

و زیان»، «محکوم کردن محکوم‌کنندگان» و «توسل به علقه‌ها و ارتباطات برتر» به خشی‌سازی قبیح جرم و عذاب وجدان ناشی از آن می‌پردازند.

جرم

آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی علمی علاوه بر حقوق ماهوی پیشگیری از جرم، حقوق شکلی پیشگیری از جرم را نیز تحت تأثیر قرار داده است. به گونه‌ای که قانونگذار در قوانین و مقررات مربوط به پیشگیری با پیش‌بینی نهادها و سازمان‌هایی که متولی امر پیشگیری بوده و مدیریت آن را به عهده دارند، به حقوق شکلی پیشگیری از جرم هم اهمیت داده و جایگاه خاصی برای آن در سیاست جنایی قایل شده است.

در این خصوص می‌توان به شکل‌گیری «ستاد مبارزه با موادمخدر» و ایجاد «مراکز بازپروسی و ترک اعتیاد» برابر مقررات قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ و اصلاحی ۱۳۷۶، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۶، «تشکیل شورای عالی مشارکت‌های مردمی» به منظور جلب همکاری و مشارکت‌های مردمی در کمک به افراد تحت پوشش سازمان بهزیستی، «طرح مداخله در بحران (فردی، خانوادگی و اجتماعی)» یا «اورژانس اجتماعی»، «طرح مداخله در خانواده» به منظور کاهش طلاق و رخدادهای دیگر در سازمان بهزیستی برابر مقررات قانون تشکیل سازمان بهزیستی مصوب ۱۳۵۹ و اصلاحی ۱۳۷۵ و قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست مصوب ۱۳۷۱ و قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ و آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۹۴، شکل‌گیری «ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز»، «کمسیون برنامه‌ریزی، هماهنگی و نظارت»، «کار گروه‌های کارشناسی پیشگیری از قاچاق کالا و ارز» برابر مواد ۳ و ۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ و در نهایت تشکیل «شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم» برابر مواد ۲ و ۳ قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام اشاره کرد.

نتیجه گیری

هر چند قانونگذار ایران در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تقصیر بزه‌دیده را در چارچوب نهادهایی مثل دفاع مشروع، تحریک، رضایت، اقدام علیه خود و تصادم، که با هدف تعدیل مسئولیت کیفری مرتکب و برقراری عدالت کیفری تناسبی وضع گردیده‌اند، مورد توجه قرار داده است. لکن این مقررات بیشتر بر اساس آموزه‌های فقهی بوده است تا بزه‌دیده شناسی علمی. بیشترین میزان بازتاب آموزه‌های بزه‌دیده شناسی علمی بر سیاست جنایی تقنینی ایران در قلمرو حقوق کیفری را می‌توان در چارچوب مقررات بند پ ماده ۳۸ «رفتار و گفتار تحریک آمیز بزه‌دیده»، بند چ ماده ۴۳ «خود داری از ارتباط و معاشرت (بزه‌کار) با شرکاء یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه‌دیده به تشخیص دادگاه» و بند ۴ ماده ۸۸ «جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه» قانون مجازات اسلامی ارزیابی کرد. مقررات ناظر بر حمایت‌های کیفری تشدید و افتراقی از بزه‌دیدگان آسیب پذیر در حقوق کیفری ایران نیز تا حدودی تأثیر این آموزه‌ها را بر سیاست جنایی تقنینی ایران نشان می‌دهد. در قلمرو حقوق پیشگیری هم، مقررات ناظر بر پیشگیری‌های بزه‌دیده مدار و موقعیت محور دارای چنین پیامی است. علی‌رغم این، وجود چالش‌های متعدد در این دو حوزه از حوزه‌های مهم سیاست جنایی، حکایت از نگاه غیرعلمی و غیر سیستماتیک سیاست جنایی تقنینی ایران به آموزه‌هایی بزه‌دیده‌شناسی علمی دارد. برخی از این چالش‌ها عبارت است از عدم پیش بینی مقررات خاص در مورد تأثیر رضایت مجنی علیه به قتل و سایر صدمات بدنی (علی‌رغم وجود دیدگاه‌های متعارض میان فقها در این خصوص و امکان صدور احکام متفاوت بر اساس این منابع)، مستحق دریافت خسارت دانستن بزه‌دیده کاملاً مقصر برابر قسمت اخیر ماده ۲۶ قانون راهنمایی و رانندگی مصوب ۱۳۸۹، تبعیت قانونگذار از معیارهای متفاوت در توزیع مسئولیت کیفری ناشی از تصادم در مواد ۵۲۷ و ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی، فقدان مقررات کلی

و جامع در ارتباط با تقصیر بزه‌دیده و مشخص نشدن معیارها و ضوابط رفتار و گفتار تحریک آمیز بزه‌دیده در قانون مجازات اسلامی، عدم حمایت کیفری تشدید و یا ویژه از اقلیت‌های نژادی، قومی، ملی و دینی آسیب‌پذیر، تداخل وظایف نهادهای مختلف در ارتباط با پیشگیری، عدم تعیین معیارهای پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم در قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام.

انسجام، یکپارچگی، سازمان‌یافتگی، کارایی و علمی بودن سیاست جنایی اقتضاء می‌کند قانونگذار اولاً، موضوع تقصیر بزه‌دیده را به عنوان یک عامل کلی تخفیف دهنده و یا زایل‌کننده مسئولیت کیفری مرتکب پیش‌بینی نماید؛ ثانیاً در توزیع مسئولیت کیفری هم به درجه و نوع تقصیر بزه‌کار و بزه‌دیده و هم به میزان مداخله و درجه تأثیر رفتار بزه‌کار و بزه‌دیده در تحقق نتیجه مجرمانه توجه کند، ثالثاً با مستحق دریافت خسارت دانستن بزه‌دیدگان کاملاً مقصر، آنان را به بزه‌کاری و بزه‌دیدگی تشویق نکند. رابعاً، از تمامی گروه‌های آسیب‌پذیر بویژه اقلیت‌های قومی، نژادی و دینی حمایت کیفری ویژه به عمل آورد و عندالاجتضاء به جرم‌انگاری جرایم ناشی از نفرت اقدام کند. خامساً تکلیف احکام وضعی اذن به جنایت توسط مجنی‌علیه را مشخص کند.

منابع

۱. ابراهیمی، شهرام؛ «رویکرد قانونگذار به پیشگیری از جرم در قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد»؛ پژوهشنامه حقوق کیفری، سال ۶، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۴.
۲. ابراهیمی، شهرام؛ «پیشگیری در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲: چرایی، چیستی و چگونگی»؛ فصلنامه تحقیقات حقوقی، ش ۷۸، تابستان ۱۳۹۵.
۳. پاک‌نهاد، امیر؛ سیاست جنایی ریسک‌مدار؛ ج ۱، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۸.
۴. جمعی از نویسندگان؛ دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم؛ ج ۱، چ ۱، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳.
۵. جوان جعفری، عبد‌الرضا و فرهاد شاهیده؛ «رفتار و گفتار تحریک آمیز بزه‌دیده در قوانین و مقررات کیفری و رویه قضایی»؛ آموزه‌های حقوق کیفری دانشگاه

- علوم اسلامی رضوی مشهد، ش ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۲.
۶. رایجیان اصل، مهرداد؛ بزه‌دیده‌شناسی حمایتی؛ چ ۱، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۴.
 ۷. رحیمی نژاد، اسمعیل؛ جرم‌شناسی؛ تبریز: انتشارات فروزش، ۱۳۹۵.
 ۸. رستمی، لمیا و سید صادق اکبری؛ «نفوذ آموزه های بزه‌دیده‌شناسی در بخش کلیات قانون مجازات اسلامی»؛ دو فصلنامه دانش و پژوهش حقوقی، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
 ۹. صادقی، سالار؛ بررسی حقوقی و جرم‌شناختی جرایم ناشی از نفرت؛ چ ۱، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۵.
 ۱۰. صادقی، محمد هادی؛ «رضایت به جنایت»؛ فصلنامه مدرس علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، ش ۱، بهار ۱۳۸۲.
 ۱۱. عبدالفتاح، عزت؛ «بزه‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی»؛ ترجمه اسمعیل رحیمی نژاد؛ نامه مفید، سال ۵، ش ۲، تابستان ۱۳۷۸.
 ۱۲. گسن، ریموند؛ «روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری»؛ ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی؛ فصلنامه تحقیقات حقوقی، ش ۲۰-۱۹، پاییز ۱۳۷۶.
 ۱۳. لپز، ژرار و ژینا فیلزولا؛ بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی؛ ترجمه روح‌الدین کرد علیوند و احمد محمدی؛ چ ۱، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۷۹.
 ۱۴. محقق حلی، ابوالقاسم جعفر بن شمس‌الدین؛ شرایع الاسلام؛ ترجمه ابوالقاسم بن احمد یزدی؛ به کوشش محمد تقی دانش پژوه؛ ج ۴، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
 ۱۵. علامه حلی، ابی منصور بن یوسف؛ ارشاد الازهان؛ ج ۴، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۰ق.
 ۱۶. مدنی تبریزی، سید یوسف؛ المسائل المستحدثة؛ قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۴۶ق.
 ۱۷. موسوی خمینی، سید روح‌الله؛ تحریر الوسیله؛ ترجمه علی اسلامی؛ ج ۴، قم: چاپخانه دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.
 ۱۸. موسوی خویی، سید ابوالقاسم؛ مبانی تکمله المنهاج؛ ج ۲، قم: انتشارات مطبوعه العلمیه، ۱۳۹۶ق.
 ۱۹. میرمحمد صاقی، حسین؛ حقوق کیفری اختصاصی: جرایم علیه اشخاص؛ تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۶.

۲۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ **تقریرات درس جرم‌شناسی پیشگیری**؛ دوره دکتری دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۵.
۲۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ «از حقوق کیفری بزه‌دیده‌مدار تا عدالت ترمیمی»؛ **دیباچه بر کتاب بزه‌دیده در فرایند کیفری** (تالیف مهرداد رایجیان اصل)؛ تهران: نشر خط سوم، ۱۳۷۹.
۲۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ «درآمدی بر جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر»؛ **مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر**؛ ج ۱، تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۱.
۲۳. نجفی، شیخ محمد حسن؛ **جواهر الکلام**؛ ج ۴۳، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، ۱۹۸۳ م.
۲۴. نیازپور، امیرحسن؛ «اساسی‌سازی حقوق پیشگیری از جرم در ایران»؛ **پژوهش حقوق کیفری**، ش ۶، بهار ۱۳۹۳.
۲۵. نیکزاد، عباس و جورسرایبی، سید غلامعلی؛ «مرگ ترحم‌آمیز از دیدگاه اسلام»؛ **مجله دانشگاه علوم پزشکی بابل**، ویژه‌نامه ۱، زمستان ۱۳۹۱.
26. Bergelson, Vera; **Victims and Perpetrators: An Argument for Comparative Liability in Criminal Law**; New York: Rutgers schools of law, 2007.
27. Diagle, Leah E; **Victimology**; USA: Sage Pub., 2013.
28. Gresham, Sykes & Matza David; "Techniques on neutralization: a theory of delinquency", **American Sociological Review** 22(6), 1957.
29. Rawls, John; **A Theory of Justice**; U.S.: Harward University Press, 2009.
30. Smith, J.C. & Hogan; **Criminal Law**; London: Edinburgh, 1988.
31. Tilly, Nick; **Crime Prevention**, USA: Willion publication, 2007.